

علی امیدي^۱

آرزو نصري^۲

حقوق بین الملل و برنامه هسته‌ای ایران

چکیده

بی‌تردید پرونده هسته‌ای یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی ایران طی نیم‌قرن اخیر می‌باشد که بر زندگی سیاسی امروز و حتی سیاست بین‌الملل سایه افکنده است. این موضوع از زوایای مختلف که تحلیل حقوقی یکی از آنهاست قابل ارزیابی می‌باشد. در مقاله حاضر ابتدا در یک نگاه کلی نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل بررسی می‌گردد، سپس مبانی حقوقی اقدامات ایران و اختلاف آن با آژانس و ویژگی‌های حقوقی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نهایت رابطه بین اصول حقوقی مورد قبول ملل متمدن و برنامه هسته‌ای ایران تحلیل می‌گردد. بنابراین مقاله حاضر از سه بخش شامل: ۱. نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای، ۲. مستندات حقوقی در له و علیه پرونده هسته‌ای ایران، ۳. مخالفت غرب با برنامه هسته‌ای ایران و بررسی تطابق آن با اصول حقوقی تشکیل شده است.

واژگان کلیدی

حقوق بین‌الملل، انرژی هسته‌ای، برنامه هسته‌ای ایران، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، معاهده ان. پی. تی، سلاح‌های هسته‌ای، شورای امنیت.

۱. دکتر علی امیدي استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان و مدرس حقوق بین‌الملل است.

۲. آرزو نصري کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان است.

مقدمه

انرژی هسته‌ای دارای کاربردهای متعدد است. کاربرد صلح‌آمیز آن که در صنایع مختلف خصوصاً تولید برق، پزشکی و کشاورزی از قابلیت بالایی برخوردار است چندین دهه است که مورد استفاده کشورهای صنعتی قرار می‌گیرد و اساساً داشتن فناوری هسته‌ای یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود. اما کاربرد نظامی و خشونت‌آمیز آن که در جهت تولید جنگ‌افزارهای متعدد هسته‌ای به کار گرفته می‌شود نخستین بار توسط ایالات متحده در جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد و بیشترین زرادخانه این نوع تسلیحات نیز در این کشور قرار گرفته که پیش‌تاز خلع‌بد هسته‌ای ایران است. کل تولید انرژی هسته‌ای در جهان طی سال ۲۰۰۶ معادل ۶۳۵ میلیون تن نفت خام اعلام شده که این رقم نسبت به سال ۲۰۰۵ به میزان ۸ میلیون تن افزایش داشته است.

خاورمیانه تنها منطقه جهان است که از مزایای انرژی هسته‌ای بی‌بهره می‌باشد. سهم دیگر مناطق جهان از تولید انرژی هسته‌ای در سال ۲۰۰۶ به ترتیب عبارت بوده است از: اروپا و اوراسیا ۴۵/۳ درصد، آمریکای شمالی ۳۳/۴ درصد، آسیا اقیانوسیه ۲۰/۲ درصد، آمریکای لاتین ۰/۸ درصد و آفریقا ۰/۴ درصد. در میان تولیدکنندگان انرژی هسته‌ای در جهان آمریکا با اختصاص ۲۹/۵ درصد از کل انرژی هسته‌ای تولیدی در جهان طی سال ۲۰۰۶ به خود، در جایگاه نخست قرار گرفته است. پس از آن کشور فرانسه با ۱۶/۱ درصد و ژاپن با ۱۰/۸ درصد به ترتیب در جایگاه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. ۶۱/۸ درصد از انرژی هسته‌ای تولیدی در جهان طی سال ۲۰۰۶ در کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین به‌علاوه آلمان تولید شده است. سهم انگلیس، روسیه، چین، و آلمان از کل انرژی هسته‌ای تولیدی در جهان طی سال ۲۰۰۶ به ترتیب ۲/۷ درصد، ۵/۶ درصد، ۱/۹ درصد و ۶ درصد اعلام شده است.

برخی کشورها نظیر فرانسه و بلژیک تا ۹۰ درصد برق خود را از انرژی هسته‌ای می‌گیرند. اهمیت استفاده صلح‌آمیز و خشونت‌آمیز انرژی هسته‌ای سبب شده است تا جهت قانونمند کردن استفاده از آن یک دسته قواعد و مقررات بین‌المللی وضع گردد. قواعد و

مقررات مذکور بخشی از زیرمجموعه حقوق بین‌الملل تحت عنوان «حقوق بین‌المللی انرژی هسته‌ای» را تشکیل می‌دهد و آن حاکم بر فعالیت‌های تابعین حقوق بین‌الملل در زمینه کاربرد انرژی هسته‌ای می‌باشد. بر این اساس، با توجه به اینکه فعالیت‌های هسته‌ای دارای آثار بین‌المللی می‌باشد؛ جامعه جهانی، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را به‌عنوان دیدبان هسته‌ای سازمان ملل متحد تأسیس نمود. هدف اصلی آژانس مزبور، کمک در کاربرد انرژی هسته‌ای در مسیر صلح‌آمیز و به حداقل رساندن خطرات استفاده نظامی از این انرژی می‌باشد. در این جهت هم‌اکنون آژانس تلاش‌های خود را برای نظارت و کنترل برنامه هسته‌ای ایران متمرکز نموده است و همراه با کشورهای غربی و به‌خصوص با فشار ایالات متحده آمریکا که مخالف اصلی هسته‌ای شدن ایران می‌باشد خواهان توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران است. این در حالی است که ایران از جمله امضاکنندگان معاهدات هسته‌ای، نظیر ان. پی. تی (معاهده عدم گسترش) و پروتکل الحاقی ۲+۹۳ است و طبق ماده ۴ معاهده ان. پی. تی، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق قانونی و مشروع خود می‌داند. با این حال، آژانس تحت فشارهای کشورهای مخالف ایران، نسبت به فعالیت‌های ایران قائل به سوءظن است و نیت ایران را در این فعالیت‌ها مثبت ارزیابی نمی‌کند و از این جهت توقف فوری غنی‌سازی اورانیوم را خواهان است. عدم توجه ایران به این خواسته آژانس و برخی دولت‌های غربی با این استدلال که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل می‌باشد سبب ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل گردید. با توجه به این مقدمه، در این مقاله سعی می‌شود به سه سؤال زیر پاسخ داده شود:

۱. حقوق بین‌الملل چه حقوق و وظایفی را برای دولت‌ها جهت استفاده صلح‌آمیز از

انرژی هسته‌ای تعیین کرده است؟

۲. مستندات حقوقی در له و علیه پرونده هسته‌ای ایران چیست؟

۳. اصول حقوقی مورد قبول ملل متمدن چگونه حقانیت ایران را در برنامه هسته‌ای

توجیه می‌کند؟

برای پاسخ به سؤالات فوق، ابتدا در یک نگاه کلی نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل بررسی می‌گردد، سپس مبانی حقوقی اقدامات ایران و اختلاف آن با آژانس و ویژگی‌های حقوقی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نهایت رابطه بین اصول حقوقی مورد قبول ملل متمدن و برنامه هسته‌ای ایران تحلیل می‌گردد.

بنابراین مقاله حاضر از سه بخش شامل:

۱. نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای،
۲. مستندات حقوقی در له و علیه پرونده هسته‌ای ایران،
۳. مخالفت غرب با برنامه هسته‌ای ایران و بررسی تطابق آن با اصول حقوقی تشکیل شده است.

۱. نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای

باتوجه به اینکه امکان انحراف موارد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای به سمت و سوی مقاصد نظامی وجود دارد، نظام حقوقی حاکم بر آن، یک دسته قواعد و قوانین بین‌المللی الزام‌آور و غیرالزام‌آور و مشورتی را در بر گرفته است. این قواعد بر اموری چون ایمنی هسته‌ای، حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای، حمایت در برابر اشعه، حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای و در نهایت بازرسی‌ها و راستی‌آزمایی‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای حاکم می‌باشد. از مهم‌ترین اسناد حقوقی و نهادهای بین‌المللی فعال در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱. نقش سازمان ملل متحد

از ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، موضوع کنترل و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل بوده و جالب توجه است که اولین

قطعنامه مجمع عمومی پس از تأسیس، قطعنامه شماره ۱ مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ درخصوص این سلاح‌ها بوده است. براساس قطعنامه مذکور، مجمع عمومی کمیسیون انرژی هسته‌ای سازمان ملل را تأسیس نمود. در اولین جلسه کمیسیون مذکور که در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۶ در نیویورک برگزار شد، مقرر گردید که گزارش‌ها و توصیه‌های کمیسیون به شورای امنیت ارائه شود. کمیسیون مزبور در اولین گزارش به شورای امنیت، خواستار تشکیل رژیم بین‌المللی قدرت‌مندی برای کنترل و نظارت بر سلاح‌های هسته‌ای در جهت حفظ و امنیت بین‌المللی گردید.^(۱) بر این اساس کمیسیون خلع سلاح (سلاح‌های متعارف) سازمان ملل در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ براساس قطعنامه (۱) ۴۱ مجمع عمومی به وجود آمد. اما به دنبال آزمایش سلاح‌های هسته‌ای شوروی سابق در اوت ۱۹۴۹ و انگلیس در اکتبر ۱۹۵۲ و آزمایش بمب هسته‌ای هیدروژنی آمریکا در نوامبر ۱۹۵۲، مجمع عمومی در سال ۱۹۵۲ طی قطعنامه (۶) ۵۰۲ خود خواستار تشکیل کمیسیون جدیدی با نام کمیسیون خلع سلاح هم در مورد سلاح‌های متعارف و هم در مورد سلاح‌های هسته‌ای شد.^(۲)

مسئله کنترل بین‌المللی انرژی هسته‌ای در ۸ دسامبر ۱۹۵۳ با سخنرانی آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اتم برای صلح» شدت یافت. به دنبال آن دول آمریکا و شوروی سابق به‌طور جدی در پی انعقاد معاهده‌ای جهت نظارت، کنترل و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای برآمدند. این در حالی بود که خود این کشورها در گسترش سلاح‌های مزبور از هیچ تلاشی فروگذاری نکردند. در حقیقت از همان ابتدا بحث «عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای» و «حق توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای» بین دو دسته از کشورهای عضو و غیرعضو باشگاه هسته‌ای تبعیض‌آمیز بوده است. چراکه در پی قطعنامه مجمع عمومی در نوامبر ۱۹۵۹ (قطعنامه ۱۳۸۰) و قطعنامه شماره ۱۶۵۳ در نوامبر ۱۹۶۱، بر تعهد کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای جهت خودداری از ساخت این‌گونه سلاح‌ها تأکید شده است. البته با ورود فرانسه و چین به جرگه قدرت‌های هسته‌ای در سال ۱۹۶۵، مجمع عمومی با ابتکار کشورهایی مانند ایرلند در ۱۰ و ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ طی قطعنامه ۲۳۷۳/۲۲

تقاضای طرح معاهده‌ای درباره سلاح‌های مزبور نمود که سرانجام طرح مذکور با نام معاهده ان. پی. تی در اول ژوئیه ۱۹۶۸ تصویب و از ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا گردید.^(۳)

مجمع عمومی همچنین طی قطعنامه‌های دیگری درباره فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای واکنش نشان داده است. از جمله در قطعنامه ۵۱/۴۱ مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶ با تأکید بر قطعنامه‌های پیشین خود، دولت‌ها را به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ترغیب کرد. در همان سال مسأله عدم مشروعیت استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در مجمع عمومی مطرح گردید و صف‌بندی کشورها در این زمینه مشخص شد. اکثر دولت‌ها (فاقد سلاح هسته‌ای) تهدید یا به کارگیری سلاح هسته‌ای را به‌طور مطلق ممنوع می‌دانستند. گروه دوم که کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای بودند نظیر آمریکا، انگلیس، روسیه، چین و فرانسه توسل به سلاح هسته‌ای را در شرایط خاصی جایز می‌دانستند. در چنین جوی مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای از رکن قضایی سازمان ملل یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای رأی مشورتی در این زمینه نمود. بر این اساس در ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، دیوان به اتفاق آراء اعلام کرد که تهدید یا استفاده از این سلاح‌ها با قواعد حقوق بین‌الملل مغایر است، اما از نظر دیوان در جدال «مرگ و زندگی» توسل به سلاح هسته‌ای در دفاع مشروط آزاد است. دیوان اعلام کرد که حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی هیچ‌کدام استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را مطلقاً منع نکرده است. این نظر و رأی دیوان نشانه آن است که به‌طور کلی طبق اصول حقوق بین‌الملل، هر آنچه به کشوری منع نشده، الزاماً آزاد و مجاز است.^(۴)

باید یادآور شد که به‌رغم اسناد حقوقی موجود، نظر مشورتی دیوان و قطعنامه‌های مجمع عمومی، کشورهای هسته‌ای تاکنون به تعهد خود در زمینه خلع سلاح هسته‌ای عمل نکرده‌اند؛ برعکس این کشورها با نقض تعهد خود به کشورهای بی‌نظیر اسرائیل در زمینه فناوری هسته‌ای کمک نموده‌اند حال آنکه این کشورها معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای را نپذیرفته‌اند.

۲-۱. دیدگاه منشور سازمان ملل متحد

منشور ملل متحد به عنوان دستورالعمل و اساسنامه هر یک از ارگان‌های ملل متحد، در زمینه مسأله کنترل بین‌المللی سلاح‌های هسته‌ای و مدیریت مستقیم، بازرسی و تحقیق در زمینه انرژی هسته‌ای هیچ‌گونه بحثی ارائه نداده است. با این حال طبق ماده ۲۴ منشور، مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برعهده شورای امنیت است که کنترل انرژی هسته‌ای را نیز در بر می‌گیرد. در این زمینه قطعنامه ۸۲۵ شورای امنیت مورخ ۱۱ مه ۱۹۹۳ در مورد کره شمالی و بند ج قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱ درخصوص عراق، حساسیت شورای امنیت را نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای کشورها نشان می‌دهد.^(۵)

ماده ۲۶ منشور نیز شورای امنیت را مسؤول تشکیل سیستمی می‌داند که باید مسابقات تسلیحاتی را تحت کنترل درآورد. مطابق این ماده، شورای امنیت به منظور کمک به استقرار صلح و امنیت بین‌المللی با مساعدت کمیته ستاد نظامی سازمان مندرج در ماده ۴۷ منشور، مکلف است طرح‌هایی برای برپایی نظام تسلیحاتی در جهان به اعضای سازمان ملل تسلیم نماید. اما طبق فصل ششم منشور، شورای امنیت زمانی اعمال صلاحیت خواهد داشت که اولاً اختلافی وجود داشته باشد و ثانیاً بیم آن باشد که ادامه اختلاف صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. همچنین در فصل هفتم منشور تأکید شده است که صلاحیت شورا محدودیت دارد و فقط در صورتی اقدام خواهد کرد که نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی تهدید وجود داشته یا نقض صلح و یا عملی تجاوزکارانه صورت گرفته باشد.^(۶) در حقیقت منشور دارای قواعد کلی درباره حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، بدون اینکه درباره نوع خاصی از سلاح‌هایی باشد که ممکن است مورد استفاده کشور تهدیدکننده صلح قرار گیرد و همین مقررات کلی، صلاحیت اتخاذ تصمیم لازم درباره جنبه‌های امنیتی انرژی هسته‌ای را به شورای امنیت می‌دهد. با توجه به این دیدگاه آیا ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، از دیدگاه حقوقی قابل قبول است؟ یعنی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تداوم آن به معنی نقض صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد؟ در صفحات بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت.

۳-۱. نظام پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای

عدم پیش‌بینی سازوکار قوی در منشور ملل متحد جهت نظارت بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، زمینه ایجاد سازمان خاصی که مسئولیت در این زمینه را برعهده بگیرد را فراهم آورد. سازمان مزبور با نام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای^۱ در ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ تأسیس گردید. طبق اساسنامه، آژانس موظف است به مجمع عمومی و شورای امنیت فعالیت‌های خود را گزارش کند. محل استقرار این سازمان اکنون در وین است و هدف اصلی آن کمک در کاربرد انرژی هسته‌ای در مسیر صلح، سلامتی و سعادت بشر در سراسر جهان و کاهش خطرات مالی و جانی ناشی از کاربرد نظامی و غیرصلح‌جویانه از این انرژی می‌باشد. آژانس طبق اساسنامه خود، محق و مکلف است که از طریق نظارت و بازرسی‌های خود بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای غیردارنده سلاح هسته‌ای مانع از آن شود که فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز آنها به سمت فعالیت غیرصلح‌جویانه انحراف یابد. البته معیار صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای کشورها و تشخیص اینکه چه کشوری مرتکب فعالیت غیرصلح‌جویانه هسته‌ای شده با آژانس است. برای تحقق این هدف، آژانس طبق اساسنامه خود با کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای موافقت‌نامه پادمانی^۲ منعقد می‌نماید. در واقع، موافقت‌نامه‌های پادمانی در راستای تحقق ماده سوم ان. پی. تی پیش‌بینی شده است. بنابراین ماده، کشورهای عضو موظفند موافقت‌نامه‌ای دوجانبه با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای منعقد کنند. آژانس طبق معاهده ان. پی. تی به عنوان دستگاه ناظر اجرای صحیح تعهدات کشورهای عضو تعیین شده است. (۷)

در کل می‌توان گفت که وظیفه آژانس، نظارت بر حسن اجرای تعهدات مستدرج در اساسنامه خود، معاهده ان. پی. تی (عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای)، موافقت‌نامه پادمان و پروتکل الحاقی ۲+۹۳ است. در اساسنامه تأکید شده که آژانس با هدف جلوگیری از تبدیل مصارف صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای (چون توسعه و امور تحقیقاتی) به استفاده در سلاح

هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجار هسته‌ای به وجود آمده است. از نظر اعتبار حقوقی نیز قطعنامه‌های آژانس بخشی از منابع حقوقی الزام‌آور برای اعضای آن است. همچنین طبق معاهده ان. پی. تی فقط آژانس صلاحیت آن را دارد که ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای کشورها را ارزیابی نموده و ماهیت نظامی و غیرنظامی بودن آن را تشخیص دهد. از بُعد حقوقی، دولت‌ها از صلاحیت اظهارنظر درباره صلح‌آمیز بودن یا نبودن فعالیت‌های هسته‌ای دیگر کشورها برخوردار نشده‌اند. همچنین چنین اقدامی از منظر حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، مداخله در امور دیگر کشورها تلقی شده و ممنوع است.^(۸)

۴-۱. معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۱ (ان. پی. تی)

معاهده ان. پی. تی در سال ۱۹۶۸ امضا و از سال ۱۹۷۰ برای مدت ۲۵ سال لازم‌الاجرا گردید. در سال ۱۹۹۵ نیز در کنفرانس بازنگری، معاهده مذکور برای مدت نامحدود تمدید گردید. در مقدمه معاهده مزبور آمده است: «به منظور کاهش تنش‌های بین‌المللی و تقویت اعتماد متقابل بین دولت‌ها، برای تسهیل در توقف ساخت تسلیحات هسته‌ای، نابودی کلیه ذخایر موجود هسته‌ای، حذف تسلیحات هسته‌ای و ابزارهای استفاده از آن در زرادخانه‌های ملی و به منظور مدون‌ساختن این مقاصد در قالب یک پیمان جهت خلع سلاح کامل تحت نظارت مؤثر بین‌المللی، با یادآوری این که براساس منشور ملل متحد، دولت‌ها باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور یا اعمال هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد در تعارض باشد، یا علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگر دولت‌ها باشد خودداری ورزند و این که تثبیت و تداوم صلح و امنیت بین‌المللی یا به حداقل رساندن گرایش منابع انسانی و اقتصادی جهان به سوی مسلح‌شدن میسر می‌گردد توافق می‌کنند به تعهدات مندرج در معاهده عمل نمایند».^(۹)

مطابق معاهده مذکور و طبق ماده ۲ معاهده به استثنای تعداد اندکی از کشورها

(فرانسه، انگلیس، آمریکا، روسیه و چین) داشتن سلاح هسته‌ای برای سایر کشورها ممنوع اعلام شده است. تعداد اندکی از کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای نیز براساس ماده ۶ معاهده مزبور متعهد شده‌اند با حسن‌نیت مذاکرات مربوط به اقدامات مؤثر درباره خاتمه مسابقات تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای را هر چه زودتر تعقیب نمایند. لذا به نظر می‌رسد در مجموع، این ماده حتی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای را به خلع سلاح هسته‌ای و قرارداد فعالیت هسته‌ای خود تحت نظارت بین‌المللی و خودداری از توسعه و طراحی انواع جدید این‌گونه سلاح‌ها ملزم نموده است.^(۱۰)

همچنین طبق ماده ۴ معاهده فوق، توسعه تحقیقات مربوط به تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز حق غیرقابل تفکیک اعضای این معاهده است و همچنین در معاهده مزبور طی ماده ۵، کشورهای هسته‌ای موظف به یاری‌رساندن به کشورهای فاقد آن جهت استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز می‌باشند. البته این اقدام باید بدون تبعیض صورت گیرد ولی باز در عمل نقض این تعهد از جانب کشورهای هسته‌ای صورت گرفته است.^(۱۱)

ماده ۳ معاهده ان. پی. تی نیز کشورهای غیرهسته‌ای را موظف به پذیرش موافقت‌نامه پادمانی و تدابیر محافظتی آژانس کرده است. بر این اساس کشورهای عضو فاقد سلاح هسته‌ای موافقت‌نامه دوجانبه‌ای با آژانس منعقد می‌کنند که موافقت‌نامه پادمانی نام دارد و ضمانت اجرای صحیح ان. پی. تی است. منظور از موافقت‌نامه مزبور این است که کشور عضو طی ترتیباتی به آژانس اجازه دهد که از تأسیسات هسته‌ایش بازدید نماید و تشخیص دهد فعالیت آن صلح‌آمیز است یا خیر.^(۱۲) اما برعکس کشورهای غیرهسته‌ای، اقدامات تأمینی موردنظر درباره کشورهای هسته‌ای اعمال نمی‌شود و در صورت نقض تعهدات این‌گونه کشورها، ضمانت اجرایی برای آن در معاهده ذکر نگردیده است. بنابراین می‌توان در یک نتیجه‌گیری کلی گفت که معاهده مذکور به‌رغم اینکه در مرکز رژیم بین‌المللی فعالیت‌های هسته‌ای قرار دارد اما یک معاهده تبعیض‌آمیز است چرا که تعهدات و حقوق نابرابری را بین دو گروه از کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و فاقد آن برقرار می‌کند.^(۱۳)

۵-۱. ضمانت اجرای تعهدات هسته‌ای

ضمانت اجرای تعهدات هسته‌ای شامل راه‌های مسالمت‌آمیز نظیر مذاکره، صدور قطعنامه از سوی آژانس و رسیدگی قضایی توسط مراجع بین‌المللی و یا ابزارهای قهرآمیز چون کاربرد زور توسط شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد. ازجمله مراجعی که ضمانت اجرای تعهدات هسته‌ای کشورها را در مواد خود مورد توجه قرار داده‌اند، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و منشور سازمان ملل متحد می‌باشد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱-۵-۱. اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و ضمانت اجرای تعهدات

هسته‌ای: ماده ۱۹ اساسنامه آژانس به این موضوع اشاره دارد که هرگاه عضوی در نقض مقررات اساسنامه یا هر قراردادی که طبق مقررات اساسنامه منعقد نموده، اصرار ورزد، کنفرانس عمومی که مرکب از کلیه اعضای آژانس است، می‌تواند بنا بر توصیه شورای ۳۵ نفره حکام به اکثریت دو ثلث از اعضای حاضر رأی دهند و امتیازات و حقوق عضویت آن عضو را معلق سازند. همچنین براساس ماده ۱۷ اساسنامه آژانس:

الف) هر مسأله یا اختلافی در باب تفسیر یا اجرای این اساسنامه که با مذاکره خاتمه نیابد، طبق اساسنامه آژانس به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد، مگر اینکه طرفین دعوا برای رفع اختلاف راه دیگری را انتخاب نمایند.

ب) کنفرانس عمومی و شورای حکام^۱ هر یک جداگانه حق دارد به شرط اجازه مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا کند که درباره هر مسأله حقوقی که در حدود فعالیت آژانس پیش آید، نظر مشورتی ارائه نماید.^(۱۴)

علاوه بر راه‌های مسالمت‌آمیز که در مواد ۱۷ و ۱۹ اساسنامه به آن اشاره گردید، در اساسنامه آژانس، استفاده از ابزارهای قهرآمیز هم مورد توجه قرار گرفته است. ازجمله پاراگراف ۴ بند ب ماده ۳ اساسنامه آژانس اظهار می‌دارد: «آژانس گزارش‌های سالیانه‌ای از

فعالیت‌های خود را به مجمع عمومی سازمان ملل و سپس به شورای امنیت ارائه خواهد کرد و هرگاه در حدود فعالیت‌های آژانس مسائلی پیش آید که در صلاحیت شورای امنیت باشد، آژانس شورای امنیت را به عنوان مسؤول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌الملل در جریان امر قرار خواهد داد.^(۱۵)

همچنین بند ۶ ماده ۳ اساسنامه آژانس بر این نکته تأکید دارد: «آژانس قطعنامه‌هایی را که در مجمع عمومی یا در یکی از شوراهای سازمان ملل به تصویب رسیده و با آن در ارتباط است مورد مطالعه قرار می‌دهد و در صورت دعوت آنها گزارشی درخصوص اقداماتی که در نتیجه مطالعه قطعنامه به عمل آورده است یا از طرف اعضای آن مطابق با این اساسنامه به عنوان نتیجه چنین گزارشی به عمل آمده است به مقام صالح سازمان ملل تسلیم می‌نماید.^(۱۶)

۱-۵-۲. منشور ملل متحد و ضمانت اجرای تعهدات هسته‌ای: از دیگر مبانی حقوقی جهت رسیدگی به مسائل کنترل تسلیحات، منشور سازمان ملل متحد است. در بند ۱ ماده ۳۳ منشور ملل متحد آمده است: «طرفین هر اختلاف که محتمل است صلح و امنیت بین‌الملل را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای و سایر ابزار مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه‌حل آن را جستجو نماید».

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در صورتی که مسائل مربوط به انرژی باعث به مخاطره انداختن صلح و امنیت بین‌المللی گردد، شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند نسبت به آنها تصمیم‌گیری نماید. زیرا شورا طبق منشور ملل متحد مسؤلیت اصلی حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. از این‌رو در تحلیل نهایی، قطعنامه‌های شورای امنیت، ضمانت اجرای مؤثری برای تصمیمات آژانس به حساب می‌آیند. از جمله مبانی صلاحیت شورای امنیت جهت رسیدگی به مسائل هسته‌ای، مواد ۱۱ و ۲۶ منشور ملل متحد می‌باشد. طبق مواد فوق، مجمع عمومی و شورای امنیت از صلاحیت عام جهت رسیدگی به

موضوعات هسته‌ای از جمله سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند. طبق بند ۱ ماده ۱۱ منشور، مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در زمینه اصول مذکور به اعضا یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی ارائه نماید.^(۱۷)

همچنین طبق ماده ۲۶ منشور ملل متحد، به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت مکلف است به کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ منشور، طرح‌هایی برای استقرار نظام مربوط به امور تسلیحاتی تهیه و به اعضای سازمان ملل تقدیم دارد.^(۱۸)

از دیگر مبانی حقوقی صلاحیت شورای امنیت برای ورود به مقوله اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، دکترین صلاحیت نامحدود شورای امنیت است. دولت‌های غربی جهت تحکیم دکترین مذکور و گسترش حوزه فعالیت شورای امنیت در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲، گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانستند و از این طریق به تحکیم موقعیت شورا جهت مداخله در امور هسته‌ای اقدام نمودند.^(۱۹)

به‌رغم ضمانت اجراهای ذکر شده، نظام تضمینی بین‌المللی درباره تعهدات هسته‌ای از نواقص بسیاری برخوردار است. از جمله اینکه نظارت اصلی که به آژانس محول شده است، در عمل به نحو تبعیض‌آمیزی فقط کشورهای غیرهسته‌ای را تحت پوشش قرار می‌دهد، ولی برعکس این نظارت حتی فعالیت‌های صلح‌آمیز کشورهای باشگاه هسته‌ای را در بر نمی‌گیرد. از طرف دیگر مهم‌ترین ابزار کنترل آژانس، گزارش‌های ارسالی از سوی دولت‌های تحت نظارت است که اکثراً دارای اطلاعات اشتباه یا ناقص است. به‌علاوه نظارت آژانس تنها بر برنامه‌ها، تأسیسات و مواد هسته‌ای است که به آن سازمان اعلام شده است و این در حالی است که عدم اطلاع آژانس از تأسیسات هسته‌ای دولت‌های عضو آن، پی‌تی مغایر با تعهدات آنها طبق معاهده مذکور می‌باشد.^(۲۰)

۲. مستندات حقوقی در له و علیه پرونده هسته‌ای ایران

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که متن اساسنامه آژانس که شامل ۲۳ ماده و یک ضمیمه است را در سال ۱۹۵۸ و همچنین معاهده ان. پی. تی را در سال ۱۹۶۸ پذیرفته است. ایران همچنین توافق‌نامه پادمان با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را در سال ۱۹۷۴ امضا کرده و از جمله شرکت‌کنندگان در کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ جهت تمدید نامحدود ان. پی. تی نیز بوده است. در کل ایران با انعقاد موافقت‌نامه‌های فوق و پذیرش اسناد بین‌المللی مرتبط با انرژی هسته‌ای فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس قرار داده و تدابیر محافظتی و نظارتی بازرسان آن را به اجرا گذارده است.^(۲۱)

از سوی دیگر ایران، پروتکل الحاقی ۲+۹۳ را طبق اظهارنامه مورخ ۲۱ مه ۲۰۰۴ که آن را به آژانس ارائه داد، امضا نمود. گرچه متن آن هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است، ولی دولت ایران برای اثبات حسن‌نیت خود تا قبل از ارسال پرونده ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ آن را اجرا می‌کرد. پروتکل مزبور شامل یک مقدمه، ۱۸ ماده و دو ضمیمه است که در سپتامبر ۱۹۹۷ به تصویب شورای حکام آژانس رسیده است و تاکنون حدود ۸۰ کشور آن را امضا و حدود ۶۰ کشور آن را تصویب نموده‌اند. هدف این پروتکل، تقویت نظارت‌های بین‌المللی بر فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای است. لذا از مهم‌ترین نکات حقوقی این پروتکل، حق آژانس جهت اطمینان از عدم وجود مواد هسته‌ای و نظارت دقیق بر فعالیت‌های هسته‌ای هر عضوی که آن را پذیرفته است، می‌باشد.

آژانس مجاز است حداقل ۲۴ ساعت قبل و در وضعیت‌های خاص حداقل ۲ ساعت یا کمتر از آن با اطلاع به آن کشور عضو از هر مکان در آن کشور به انتخاب خود آژانس بازرسی نماید. البته مانند ایران تاکنون حدود ۸۰ کشور پروتکل الحاقی را تنها امضا کرده و از تصویب آن خودداری نموده‌اند. بنابراین ایران تاکنون تمامی اسناد مهم حقوقی مرتبط با انرژی هسته‌ای

را پذیرفته است. با این وصف آیا توجیه حقوقی برای نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران وجود خواهد داشت؟ پاسخ این سؤال را در بخش‌های زیر دنبال می‌کنیم.

۱-۲. قطعنامه‌های شورای حکام آژانس علیه ایران و تطابق آن با حقوق بین‌الملل

از سپتامبر ۲۰۰۳ (شهریور ۱۳۸۱) برنامه‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفت. به‌طور کلی آژانس معتقد است که براساس اساسنامه، معاهده ان. پی. تی، موافقت‌نامه پادمان و پروتکل الحاقی، ایران باید تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود اعم از صلح‌آمیز یا غیرصلح‌آمیز را از جمله امور مربوط به غنی‌سازی اورانیوم حتی اگر فقط به قصد صلح‌آمیز باشد به آژانس گزارش کند و چون به موقع اطلاعات مربوط به فعالیت هسته‌ای خود را به آژانس گزارش نداد، تخلف نموده و این امر سبب سوءظن به این کشور شده که به‌طور پنهانی درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشد. به همین دلیل البرادعی، مدیرکل وقت آژانس از خرداد ۱۳۸۲ تاکنون، گزارش‌های مفصلی درباره ایران به شورای حکام ارائه داده است. شورای حکام نیز در پی گزارش‌های البرادعی، قطعنامه‌هایی را در تاریخ‌های ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳، ۱۳ مارس ۲۰۰۴، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴، ۱۱ اوت ۲۰۰۵، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ و ۴ فوریه ۲۰۰۶ درباره ایران تصویب نموده است. (۲۲)

به نظر می‌رسد که قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ آژانس مهم‌ترین موارد اتهامی بر ایران و قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ مهم‌ترین خواسته‌های آژانس و قدرت‌های درگیر با ایران را از ابتدای دعوا تاکنون نشان می‌دهد. در قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ اتهامات زیر متوجه ایران گردیده است:

۱. قصور ایران در مدت‌زمان طولانی برای عمل به تعهداتش نسبت به توافق‌نامه پادمانی ان. پی. تی (INF/CIRC214)، گزارش انتقال مواد هسته‌ای، بازفآوری و کاربرد آن و همین‌طور اعلام تأسیساتی که چنین موادی در آنجا پردازش و ذخیره

شده بود.

۲. سیاست ایران در پنهان‌کاری، سبب نقض‌های متعدد تعهداتش در مورد اجرای توافق‌نامه‌های پادمان شد. نقض‌ها و قصور ایران از تعهداتش نسبت به موافقت‌نامه پادمانی آن، پی. تی به معنی عدم پایبندی این کشور از بند ج ماده ۱۲ اساسنامه آژانس می‌باشد.

۳. آژانس هنوز در موضعی نیست که بعد از چند سال بازرسی‌ها و تحقیقات فشرده، بعضی از مسائل مهم باقی‌مانده را روشن کند. ضمن اینکه شفاف‌سازی کامل ایران اجتناب‌ناپذیر و تأخیردار بوده است.

۴. انگیزه‌های ایران در قصور برای صدور اظهارنامه‌ها در رابطه با فعالیت هسته‌ای و تعقیب یک سیاست پنهان‌کاری تا اکتبر سال ۲۰۰۳ نامشخص است. (۲۳)

اما مهم‌ترین خواسته‌های آژانس که در قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ ذکر شد و براساس آن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع گردید به شرح زیر است:

۱. ایران بیش از پیش در اجرای آن، پی. تی، موافقت‌نامه پادمان و پروتکل الحاقی با آژانس همکاری نماید. این همکاری باید در جهت بررسی از تأسیسات، مدارک، ماشین‌آلات و وسایل تحقیقاتی و تماس با افراد باشد. خواست آژانس خیلی بیش از آن چیزی است که ایران از نظر حقوقی موظف به انجام آن است. آژانس از جمله درخواست مصاحبه با پرسنل ارتش، کنترل مدارک مربوط به غنی‌سازی و بازدید از پادگان‌های نظامی را دارد. ایران در ماه اکتبر ۲۰۰۵ با قسمت عمده این خواسته‌ها از جمله بازدید از پارچین توافق کرد.

۲. تعلیق غنی‌سازی پایدار باشد؛ یعنی ایران غنی‌سازی را به مدت نامحدود یا طولانی به تعویق اندازد.

۳. ایران در مورد ساختن کارخانه آب سنگین اراک تجدیدنظر کند. یکی از مصارف

اصلی آب سنگین تولید پلوتونیوم است که راه دیگری برای تولید سوخت بمب اتمی است. به نظر غرب با توجه به اینکه ایران تنها یک نیروگاه هسته‌ای دارد، چنین سرمایه‌گذاری عظیمی برای تولید سوخت هیچ توجیه اقتصادی ندارد.

۴. ایران فوراً پروتکل الحاقی را تصویب و به‌طور کامل اجرا کند. ایران این پروتکل را در سال ۲۰۰۳ امضا کرده و از آن زمان بدون آنکه مجلس تصویب کرده باشد، تا سال ۲۰۰۶ اجرا نمود.

۵. ایران یک گزارش کامل از برنامه هسته‌ای خود، خصوصاً مسائل باقی‌مانده و مورد بحث را ارائه نماید. (۲۴)

در تمام قطعنامه‌های مذکور، خصوصاً قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵، آژانس با ابراز نگرانی از برنامه سانتریفیوژهای P_2 که ایران در گزارش خود به آژانس آنها را ذکر نکرده بود و اظهار تأسف از مسائل مربوط به آلودگی، فعالیت غنی‌سازی اورانیوم و عدم ارائه اظهارنامه کامل ایران، این کشور را متهم به عدم متابعت یا عدم پایبندی از مفاد موافقت‌نامه پادمان (نه نقض مفاد آن. پی. تی که دولت آمریکا بر آن تأکید دارد) نموده است و بر اهمیت پایبندی ایران به معیارهای پروتکل الحاقی اشاره شده و از ایران می‌خواهد که هر چه سریع‌تر و بدون تأخیر پروتکل الحاقی را به تصویب رسانده و به عنوان یک اقدام اطمینان‌ساز در تصمیمات خود جهت فعال‌نمودن تأسیسات یو. سی. اف اصفهان (تأسیسات تبدیل اورانیوم) و آغاز رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک تجدیدنظر نماید. همچنین در قطعنامه‌های فوق‌الذکر، خصوصاً قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ توقف کامل فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم از ایران خواسته شده و به ایران هشدار داده‌اند که نادیده‌گرفتن قطعنامه‌های مذکور درخصوص تعلیق فعالیت‌های مربوطه به معنای پایان مذاکرات تلقی گردیده و راهی جز ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت باقی نخواهد ماند.

دولت‌های غربی، خصوصاً آمریکا قصور موردنظر در این قطعنامه‌ها را به معنای نقض

تعهدات ایران در آن. پی. تی به حساب آورده‌اند. اما آیا کوتاهی در ارائه اطلاعات به موقع به معنای نقض تعهد به‌شمار می‌آید؟ ممکن است قصور مطرح شده درباره ایران درست باشد، اما آیا میزان قصور ایران چنان زیاد بوده که سبب فرستاده‌شدن پرونده به شورای امنیت گردد؟ این در حالی است که ما شواهدی از قصور سایر کشورهای عضو آن. پی. تی نظیر کره جنوبی، تایوان و مصر داریم، ولی آژانس چندان اهمیتی به این موارد نداده است. حتی طبق شواهد، کره جنوبی، درخواست آژانس در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ برای کسب اجازه بازرسی از تأسیسات غنی‌سازی را نپذیرفت. بعدها در گزارش آژانس درباره کره جنوبی مشخص گردید کشور مزبور تا میزان ۷۷ غنی‌سازی نموده است. در حالی که غنی‌سازی تا حداکثر غلظت شش درصد مصارف صلح‌آمیز دارد و از غلظت ۷۵ درصد به بالا برای مصارف نظامی است. پس کشورهای دیگری نیز وجود دارند که خطا کرده‌اند ولی سخت‌گیری نسبت به آنها مانند ایران نبوده است. همین امر نوعی تبعیض و آپارتاید هسته‌ای و برخورد سیاسی با پرونده ایران را خاطر نشان می‌سازد. (۲۵)

همچنین در قطعنامه‌های تصویبی مربوط به ایران، تصویب فوری و بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی مطرح شده است. این امر نیز مخالف اصول حقوق بین‌الملل می‌باشد. در واقع اجبار ایران به تصویب فوری پروتکل الحاقی در تعارض با آزادی اراده دولت‌ها در الحاق یا عدم الحاق به معاهدات بین‌الملل یا آزادی بودن پذیرش معاهدات به‌خصوص طبق ماده ۵۲ عهدنامه ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین می‌باشد. (۲۶) البته حدود ۸۰ کشور این پروتکل را تاکنون پذیرفته‌اند اما در پذیرش و تصویب آن مانند ایران اجباری در کار نبوده است. ایران نیز پروتکل مزبور را پذیرفته است و با امضای پروتکل به نوعی پایبندی به مفاد آن پروتکل را دارد چراکه طبق حقوق معاهدات، از امضای معاهده تا زمان تصویب، دولت‌ها باید از انجام اعمالی که با روح معاهده منافات دارد اجتناب نمایند. ایران تنها در سال ۲۰۰۶، پس از اینکه دریافت حسن‌نیت او در اجرای پروتکل الحاقی هیچ فایده‌ای در عدم ارجاع پرونده به شورای امنیت ندارد تصمیم به تعلیق اجرای این پروتکل نمود. بر این اساس آیا الزام ایران به تصویب

پروتکل مذکور موجه است؟ چون ایران با امضای پروتکل الحاقی عزم راسخ خود را برای پیوستن به موافقت‌نامه مزبور و اجرای کامل آن نشان داده است؛ بنابراین از نظر حقوقی، الزام ایران به تصویب پروتکل از سوی آژانس فاقد وجهت حقوقی می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت که این قطعنامه‌ها و خواسته‌های آن از ایران از نظر مفهومی و محتوا از چارچوب اختیارات آژانس فراتر رفته است.^(۲۷)

همچنین درخواست تعلیق غنی‌سازی به مدت نامحدود در قطعنامه‌های شورای حکام آژانس به دلیل نگرانی از دستیابی ایران به جنگ‌افزارهای هسته‌ای بیان شده است. این در حالی است که تاکنون در بازرسی‌های صورت‌گرفته توسط بازرسان آژانس هیچ‌گونه مدرکی دال بر تلاش ایران جهت دستیابی به سلاح و بمب اتم یافته نشده است. اما تردید نسبت به نیت و قصد ایران جهت تولید سلاح‌های هسته‌ای را دلیل نگرانی بین‌المللی از فعالیت هسته‌ای آن و در نتیجه تعلیق دائمی غنی‌سازی را مطرح نموده است. اینکه تنها به دلیل قصد و نیت یک کشور خواهان توقف فعالیت آن شوند از منظر حقوقی قابل قبول نیست، چون در حقوق بین‌الملل ملاک سنجش نیت دولت‌ها، اعمال و افعال آنها و نه منویات بدون مدلول است.^(۲۸)

یکی از مواردی که به سوءظن آژانس و برخی از کشورهای غربی دامن زده است تأخیر ایران در گزارش به موقع آغاز فعالیت‌هایش در زمینه تأسیسات هسته‌ای است که در این مورد رئیس سازمان انرژی هسته‌ای ایران معتقد است که تفسیر ایران از حقوق بین‌الملل هسته‌ای این بوده است که با شروع نصب تأسیسات و فعالیت‌های صنعتی (نه صرفاً ساختمان‌سازی)، ایران موظف به گزارش‌دهی به آژانس می‌ بوده است. با این حال اگر این تأخیر گزارش‌دهی ایران قصور باشد نباید به منزله انحراف آن، پی. تی. تلقی گردد و قصور ایران براساس بند ج ماده ۱۲ اساسنامه آژانس تفسیر گردد. در حالی که ماده ۱۲ صراحتاً انحراف به سمت ساخت سلاح‌های هسته‌ای را مشمول طرح در شورای امنیت دانسته است. این در حالی است که دبیرکل آژانس در گزارش مارس ۲۰۰۶ به‌طور صریح بر عدم انحراف ایران به سمت ساخت سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرده است.

اتهام دیگر آژانس بر ایران، عدم ارسال گزارش کامل این کشور از فعالیت‌های هسته‌ای خود است. از نظر دولت ایران، هر آنچه که ایران در این زمینه در اختیار داشت به آژانس ارائه کرد. آژانس از ایران اطلاعاتی می‌خواهد که خود نمی‌داند این اطلاعات چیست. بر این اساس آژانس ایران را متهم به پنهان‌کاری چیزی می‌کند که اساساً وجود ندارد. بنابراین در اینجا چیرگی اهداف سیاسی بر استدلال‌های حقوقی ظاهر می‌گردد.

احداث مجتمع آب سنگین اراک از دیگر مواردی است که نشانه سوءنیت ایران در فعالیت‌های هسته‌ای تلقی شده است. هر چند امکان انحراف در پروژه آب سنگین وجود دارد ولی اولاً ایران با انعقاد توافق‌نامه‌ای با آژانس چگونگی بازدید مستمر آژانس از این مجتمع را مشخص کرده است؛ ثانیاً در هیچ سند هسته‌ای تأسیس چنین مجتمعی ممنوع یا با قید و شرط بیان نشده است و ثالثاً پروژه آب سنگین استفاده‌های مختلفی دارد که کاربرد آن در پروژه هسته‌ای یکی از آن موارد است. (۲۹)

ایران همچنین در واکنش به اتهامات آژانس، همواره بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود تأکید نموده است. در این زمینه به معاهدات و قطعنامه‌هایی که حق استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند، از جمله قطعنامه ۳۶/۲۷ مجمع عمومی سال ۱۹۸۱، قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت سال ۱۹۸۱، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای که طبق ماده ۳، تحقیق درباره انرژی هسته‌ای و توسعه و استفاده عملی از آن برای مقاصد غیرنظامی را در سراسر جهان تشویق نموده است. ماده ۱۱ اساسنامه، که به کمک آژانس جهت تأمین مواد شکاف‌پذیر خاص و خدمات و تجهیزات برای اعضای که خواهان تحقیق و استفاده عملی از انرژی هسته‌ای برای مقاصد غیرنظامی هستند، اشاره کرده است. (۳۰)

همچنین ماده ۴ معاهده ان. پی. تی که استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای اعضای خود پذیرفته است، اشاره کرده است. (۳۱) از طرفی طبق حقوق بین‌المللی عرفی و قراردادی و با توجه به اصول متعددی مانند اصل حاکمیت، اصل حق توسعه^۱ و اصل عدم مداخله^۲ در

امور داخلی کشورها که صریحاً در ماده ۲ بند ۷ منشور ملل متحد آمده است، برخورداری از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای حق کشورها و بخشی از اعمال حاکمیت ملی آن محسوب می‌گردد. البته از منظر حقوقی، ایران نیز طبق اصول متعددی چون اصل وفای به عهد^۱ و اصل حسن‌نیت^۲ موظف به همکاری با آژانس و خودداری از تبدیل مقاصد صلح‌آمیز به مقاصد نظامی انرژی هسته‌ای می‌باشد که تاکنون در همکاری با آژانس و اعطای اجازه بازرسی به بازرسان کوتاهی نکرده است.^(۳۲)

از طرف دیگر، باتوجه به همکاری ایران با آژانس و وجود اصولی چون اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و اصل عدم توسل به زور، آیا استفاده از وسایل قهرآمیز در پرونده ایران و ارجاع آن به شورای امنیت با این عنوان که برنامه هسته‌ای آن تهدیدی علیه صلح بین‌المللی است قابل قبول است؟ آیا ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت از منظر حقوقی قبول است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا مبانی قانونی ارجاع پرونده هسته‌ای یک کشور توسط آژانس به شورای امنیت براساس مقررات بین‌المللی مربوطه بررسی می‌گردد و سپس مبنای حقوقی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲. مبانی قانونی رابطه آژانس و شورای امنیت و جایگاه حقوقی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت

شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به دلیل برخی نقاط اشتراک در ایفای وظایف سازمانی مرتبط با خلع سلاح هسته‌ای رابطه متقابلی با یکدیگر دارند. از یک طرف شورای امنیت، در مواردی به عنوان تضمین‌کننده تصمیمات آژانس وارد عرصه شده است و از طرف دیگر، آژانس در حقیقت به عنوان رکن فرعی شورای امنیت در تضمین صلح و امنیت بین‌الملل فعال بوده است. این رابطه بین دو نهاد در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اساسنامه آژانس متبلور است. اساسنامه آژانس دو مبنای جهت رابطه آژانس با شورای امنیت مطرح کرده است.

اولاً به موجب ماده ۳ پاراگراف ۴ اساسنامه، چنانچه آژانس در ارتباط با فعالیت‌هایش با مسائلی روبه‌رو گردد که در صلاحیت شورای امنیت باشد باید شورای مزبور را به عنوان رکن مسؤول حفظ صلح و امنیت بین‌الملل از آن مطلع سازد. ثانیاً به موجب ماده ۱۲ (بند ج) اساسنامه، چنانچه در جریان بازرسی‌ها، بازرسان دریابند که فعالیت هسته‌ای یک دولت عضو به منظور اهداف نظامی انجام شده باید هرگونه عدم پایبندی را به دولت‌های عضو، شورای امنیت و مجمع عمومی گزارش کنند. چرا که طبق ماده ۴ اساسنامه آژانس که درباره تعهدات اعضای آژانس است آمده است آژانس باید هرگونه عدم پایبندی اعضا را طبق ماده ۱۲ اساسنامه به شورای امنیت گزارش کند. (۳۳)

علاوه بر مقررات مطرح در اساسنامه آژانس در زمینه ارجاع موضوعات توسط آژانس به شورای امنیت، ماده ۱۹ موافقت‌نامه پادمان ایران و آژانس نیز اشاره بر این دارد که در صورت ناتوانی شورای حکام آژانس در راستی‌آزمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تأیید این نکته که هیچ انحرافی از مواد هسته‌ای به سمت تولید سلاح هسته‌ای وجود نداشته، شورای حکام آژانس می‌تواند گزارش‌هایی را طبق ماده ۱۲ اساسنامه به شورای امنیت، مجمع عمومی و دیگر اعضا ارسال نماید. (۳۴)

اکنون این سؤال مطرح است که موضوع پرونده هسته‌ای ایران در قالب کدام یک از موارد فوق (گزارش عدم پایبندی نسبت به پادمان، گزارش عدم توانایی در راستی‌آزمایی توسط آژانس یا به خطرات دادن صلح و امنیت بین‌المللی) به شورای امنیت گزارش شده است؟ شورای حکام در قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ از البرادعی، دبیرکل آژانس خواست تا اقدامات لازم را جهت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مبذول نماید. همچنین در بند ۸ قطعنامه مذکور، شورای حکام از مدیرکل آژانس درخواست کرد که تمام قطعنامه‌های صادرشده به همراه گزارشی از اجرای مفاد قطعنامه‌ها توسط ایران را به شورای امنیت ارسال نماید. (۳۵)

به این ترتیب، مدیرکل آژانس در ۸ مارس ۲۰۰۶ به‌رغم فقدان هرگونه تصمیم‌گیری

صریح و تصویب قطعنامه‌ای که دلیل ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را نشان دهد، گزارش خود را جهت اقدام به شورای امنیت ارسال نمود.^(۳۶) در بحث ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تنها به نگرانی از به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌الملل توسط فعالیت هسته‌ای ایران اشاره شده است و از آنجا که شورا مسؤول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است برای رسیدگی به این موضوع انتخاب شده است. اما چنین برداشتی از برنامه هسته‌ای ایران با توجه به اینکه تاکنون هیچ مدرکی دال بر تلاش ایران برای دستیابی به جنگ‌افزار هسته‌ای یافت نشده و این نکته در گزارش مارس ۲۰۰۶ دبیرکل آژانس به صراحت تأیید گردید تا از این طریق ناقض صلح و امنیت بین‌المللی باشد. بنابراین چنین برخوردی از منظر حقوق بین‌الملل قابل قبول نیست؛ مگر اینکه گفته شود که آژانس طبق ماده ۳ اساسنامه این کار را کرده است که این درست نیست. آژانس در قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ به ماده ۱۲ استناد کرده است. به خصوص اینکه ایران فعالیت‌های هسته‌ای خود را در چارچوب معاهده ان. پی. تی می‌داند و معتقد است چون در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سازمان ملل عضو است و بخش اعظم مقررات مربوطه را رعایت کرده است، لذا ارجاع پرونده هسته‌ای‌اش به شورای امنیت خارج از مقررات موجود و اقدامی مغایر ضوابط بین‌المللی است.^(۳۷)

۳. مخالفت غرب با برنامه هسته‌ای ایران و بررسی تطابق و عدم تطابق آن با اصول حقوقی

برای اثبات این موضوع که در پرونده هسته‌ای ایران عنصر نگاه سیاسی بر ماهیت قواعد بین‌المللی چیره شده است، می‌توان به برخی اصول حقوقی مورد قبول تمامی تمدن‌های حقوقی اشاره نمود:

۱-۳. اصل تناسب جرم و مجازات^۱ (تناسب جزایی)

اصل تناسب جرم و مجازات، یکی از اصول حقوقی است که بیشتر در حقوق داخلی کاربرد دارد. ولی این اصل چنان بدیهی و فطری می‌نماید که در هیچ تمدن حقوقی انکار نشده است. این اصل بیان می‌کند که میزان و نوع مجازات شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) متهم باید با نوع و میزان خسارت ناشی از جرم صورت گرفته متناسب باشد.^(۳۸) براساس اصل فوق می‌توان گفت در برخورد با ایران اصل تناسب جرم و مجازات رعایت نشده است. طبق معاهده ان. پی. تی، مجازات کشوری که به نقض تعهداتش متهم شده است، قطع کمک‌های آژانس و دیگر کشورهای عضو به کشور مورد نظر است. این در حالی است که ایران تنها متهم به انجام برخی قصور و کوتاهی در انجام تعهداتش است. قصور با نقض تعهد از نظر حقوقی متفاوت است. از سوی دیگر ارجاع پرونده هسته‌ای کشورها به شورای امنیت در صورتی است که کشوری مرتکب نقض صلح و امنیت بین‌المللی شده باشد. طبق اساسنامه آژانس، اگر کشوری در صدد تولید و کسب سلاح هسته‌ای باشد، تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی خواهد بود، اما تاکنون در بازرسی‌های آژانس از تأسیسات هسته‌ای ایران مدرکی در زمینه تولید سلاح هسته‌ای یافت نشده است.

۲-۳. اصل برائت^۲

این اصل حقوقی، در بر دارنده یک حق مشروع برای شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) متهم است که در ابتدا بی‌گناه فرض می‌گردد مگر اینکه تحت تحقیقات قضایی، دلیل معقولی برای محکوم کردن او به دست آید. این اصل از جمله حقوق اساسی است که در اکثر تمدن‌های حقوقی پذیرفته شده است.^(۳۹) در بررسی پرونده ایران این اصل نیز نادیده گرفته شده است. چرا که با وجود اینکه در بازرسی‌های آژانس، مدرکی برای اتهام ایران در زمینه

انحراف از آن. پی. تی و دستیابی به تسلیحات هسته‌ای یافت نشده ولی عملاً حکم به عدم براءت ایران داده شده است.

۳-۳. اصل حق توسعه

این حق چندین دهه در سازمان ملل توجه زیادی را به خود جلب کرده است. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی در ۱۹۶۶ زمینه‌ساز تولد حق توسعه بودند. همچنین مجمع عمومی در قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ اعلامیه حق توسعه را تصویب نمود. محتوای این اصل که جزئی از حقوق بشر محسوب می‌شود، و ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان‌هاست، بر بهره‌مندی تمامی انسان‌ها اعم از زن و مرد و تمامی ملل در یک سهم عادلانه و متناسب از فناوری، اموال و خدمات تولیدی جامعه جهانی اشاره دارد.^(۴۱) همچنین پاراگراف ۶ دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر، حق توسعه را به عنوان یک حق جهانی، غیرقابل انتقال و لاینفک از حقوق بنیادین بشر دانسته است.^(۴۱) لذا طبق این اصل، ایران دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را حق قانونی و مشروع خود می‌داند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۴. اصل حسن‌نیت در قراردادهای

این اصل حقوقی در بند ۲ ماده ۲ منشور ملل متحد اشاره شده است. این ماده از کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواهد برای اینکه بتوانند از مزایای عضویت در سازمان بهره‌مند شوند، تعهداتشان را با حسن‌نیت انجام دهند. همچنین بند ۴ اساسنامه آژانس، رعایت حسن‌نیت در اجرای تعهدات مندرج در اساسنامه را از کشورهای عضو می‌خواهد.^(۴۲) حسن‌نیت به معنای پایبندی به مفاد و تعهدات مندرج در قراردادهای بین‌المللی است.^(۴۳) کشورهای مخالف برنامه هسته‌ای ایران، به سوءنیت ایران اشاره می‌کنند به این معنا که ایران برخلاف تعهداتش در چارچوب آژانس در تلاش کسب و تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد در

حالی که تاکنون مدرک محکمه‌پسندی به دست نیامده که سوءنیت ایران را در جهت انحراف هسته‌ای به سوی تولید سلاح هسته‌ای اثبات کند. در حالی که قراین همگی حاکی از سوءنیت برخی از دولت‌های غربی در اجرای درست آن. پی. تی می‌باشد.

۵-۳. اصل رضایت دولت‌ها در پذیرش معاهدات بین‌المللی

طبق ماده ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین، ازجمله خصوصیات یک معاهده، رضایت کشورها در پذیرش توافقات بین‌المللی است. در حقیقت، دولت‌ها به دلیل برخورداری از حق حاکمیت، در پیوستن به معاهدات آزاد و مختارند. بنابراین، هیچ دولتی را نمی‌توان مجبور به عضویت در یک معاهده کرد.^(۴۴) بر این اساس، خواسته شورای حکام آژانس در زمینه تصویب فوری و بی‌قیدوشرط پروتکل الحاقی توسط ایران مغایر با این اصل حقوقی نیز می‌باشد.

۶-۳. اصول حاکم بر تفسیر معاهدات

تفسیر معاهدات بین‌المللی تابع اصول و مقرراتی است و امری اختیاری نیست.^(۴۵) یکی از مشکلات آژانس و ایران تفسیر مفاهیمی چون انحراف، قصور، نقض و مفاد ماده ۱۲ اساسنامه است که موجب ارسال پرونده ایران به شورای امنیت گردید. قواعد حاکم در تفسیر معاهدات عبارتند از:

۳-۶-۱. حسن‌نیت: باید در تفسیر معاهدات حسن‌نیت به خرج داد. از این‌رو طبق حقوق بین‌الملل نباید براساس انگیزه‌های سیاسی، حقوق بین‌الملل هسته‌ای را در جهت محروم کردن کشوری تفسیر نمود.

۳-۶-۲. آثار مفید: در تفسیر باید آثار مفیدی مترتب باشد؛ به عبارت دیگر تفسیر باید تسهیل‌کننده همکاری بین‌الملل باشد نه اینکه مانع همکاری شود. از این‌رو در تفسیر حقوق بین‌الملل هسته‌ای نسبت به ایران باید آثار مثبت آن مدنظر باشد.

۳-۶-۳. ایجاد حداقل تعهد برای دولت‌ها: تفسیرها نباید به گونه‌ای صورت بگیرد که تعهدات کشورها را بیشتر کند. هرچه تعهدات بیشتر باشد این امر در روند همکاری بین‌المللی خلل ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که دول غربی با تفسیر خاص از حقوق بین‌الملل هسته‌ای قصد حداکثرکردن تعهدات ایران را دارند.

۳-۶-۴. به نفع کشورهای دارای وضعیت نامساعد: تفسیر باید معمولاً به نفع کشورهای همچون جهان سوم صورت گیرد که دارای شرایط و وضعیت نامساعد هستند. به‌رغم اینکه ایران مصداق کشور نامساعد در برخورداری از مزایای حقوق بین‌الملل هسته‌ای است، با این حال تفسیر آن به ضرر ایران صورت می‌گیرد.^(۴۶) در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از اصول حقوقی در مورد ایران نادیده گرفته شده است. همین امر نادیده گرفتن عدالت و نگاه سیاسی و بدبینانه به برنامه هسته‌ای ایران را اثبات می‌کند.

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های هسته‌ای ایران طبق چارچوب‌های حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای (معاهده ان. پی. تی، اساسنامه آژانس و موافقت‌نامه پادمانی) جزء حقوق ذاتی ایران محسوب می‌شود. ایران طبق مفاد معاهده ان. پی. تی خصوصاً ماده ۴ آن، حق توسعه، تحقیق، تولید و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را دارد. همچنین طبق ماده ۵ معاهده مذکور، کشورهای هسته‌ای موظف به کمک به کشورهای غیرهسته‌ای جهت کسب فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای هستند. البته اعطای این کمک باید بدون هرگونه تبعیضی صورت گیرد. اما حقیقت آن است که در عمل تبعیض صورت یافته و این تبعیض در برخورد با پرونده هسته‌ای ایران نیز قابل مشاهده است.

آژانس در بازرسی‌های خود از تأسیسات هسته‌ای ایران بر قصور متعددی توسط ایران و عدم اطلاع‌رسانی به موقع از مواد هسته‌ای خود به آژانس اشاره نموده است. البته دامنه این قصور را دقیقاً مشخص نکرده است. از نظر آژانس قصور صورت یافته، تردید نسبت به

فعالیت هسته‌ای ایران و احتمال گرایش و انحراف آن به سمت تولید سلاح‌های هسته‌ای را باعث شده است. به همین دلیل هم در قطعنامه‌های خود، خواهان تعلیق دائمی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و تصویب فوری پروتکل الحاقی ۲+۹۳ توسط ایران بوده است. اما این خواسته‌ها فراتر از تعهدات حقوقی ایران طبق مفاد موافقت‌نامه پادمان ایران با آژانس و سایر اسناد حقوقی مورد تعهد ایران است. آژانس در برخورد با ایران فراتر از وظایف سازمانی‌اش رفتار کرده است؛ به همین دلیل نیز ایران با تأکید این نکته که فعالیتش صلح‌آمیز است و حق قانونی برخورداری از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای را دارد از اجرای قطعنامه‌های شورای حکام خودداری نموده است. همین امر یعنی عدم توجه ایران به درخواست‌های آژانس سبب تردید بیشتر نسبت به فعالیت هسته‌ای کشور و ارسال پرونده به شورای امنیت به دلیل به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌الملل گردیده است. شایان ذکر است در ارسال پرونده به شورای امنیت هم ضوابط موردنظر در اساسنامه آژانس و پادمان به صورت موسع و به اغراض سیاسی تفسیر شده است و در این ارتباط نباید فشارهای سیاسی برخی دول اروپایی و آمریکا را فراموش کرد. چون آمریکا با فعالیت هسته‌ای ایران مخالف است و با ارجاع پرونده به شورای امنیت توانایی اثرگذاری بیشتر بر ایران خواهد داشت. همچنین با توجه به ماهیت سیاسی شورای امنیت با ارجاع پرونده ایران به شورای مذکور بار سیاسی آن (قصد و گرایش نظامی) افزایش خواهد یافت و از بار حقوقی آن (استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای) کاسته خواهد شد. اتهامات آژانس علیه ایران در حدی نیست که آن را به منزله انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای تلقی نموده و براساس بند ج ماده ۱۲ آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست.

کاهش بار حقوقی پرونده هسته‌ای ایران را می‌توان در نادیده‌گرفتن اصول معتبر حقوقی مانند اصل تناسب جرم و مجازات، اصل برائت، اصل حسن‌نیت، اصل حق توسعه و اصل رضایت دولت‌ها در پذیرش معاهدات بین‌المللی و اصول حاکم بر تفسیر معاهدات درباره برنامه هسته‌ای ایران مشاهده نمود.

منابع و مأخذ

۱. جلالی، محمود، (۱۳۸۳)، «حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای و وضعیت ایران»، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره ۷، ص. ۷۶.
۲. غریب‌آبادی، کاظم، (۱۳۸۱)، آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، تهران: معاونت همکاری‌های دفاعی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ص. ۱۰۵.
۳. فلسفی، هدایت‌الله، (۱۳۷۳)، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای: تصورات و واقعیت‌ها»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل ایران، شماره ۱۹-۱۸، صص. ۳۵-۳۶.
۴. جلالی، پیشین، ص. ۸۲.
۵. برای اطلاع بیشتر از قطعنامه ۸۲۵ و قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت درباره کره شمالی و عراق، ر.ک به:
<http://daccess-ods.un.org/TMP/5965443.html>
<http://daccessdds.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/596/23/IMG/NR059623.pdf?OpenElement>
۶. برای مطالعه متن منشور ملل متحد، ر.ک. به:
<http://www.un.org/aboutun/charter>
۷. ر.ک. به اساسنامه آژانس:
<http://www.iaea.org/About/statute.html>
۸. همان.
۹. برای مطالعه متن کامل NPT، ر.ک. به:
<http://www.iaea.org/Publications/Documents/Infcircs/Others/infcirc140.pdf>
۱۰. همان.
۱۱. همان.
۱۲. فلسفی، پیشین، ص. ۴۰.
۱۳. غریب‌آبادی، کاظم، (۱۳۸۳)، آشنایی با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی، تهران: انتشارات ابرار معاصر، ص. ۴۴.

۱۴. ر. ک. به: اساسنامه آژانس، پیشین.

۱۵. همان.

۱۶. همان.

۱۷. برای مطالعه متن منشور ملل متحد ر. ک. به: <http://www.un.org/aboutun/charter>

۱۸. همان.

۱۹. ر. ک. به:

Koehler, Hans, (2006), "Universal Jurisdiction and International Power Politics", from:

http://hanskoehler.com/koehler-universal_jurisdiction-2006.pdf

۲۰. غرب آبادی، (۱۳۸۳)، پیشین، ص. ۴۶.

۲۱. برای بررسی رابطه ایران و آژانس ر. ک. به:

Welsh, Steven, (2005), "Iran's Nuclear Program and International Legal Instruments", from:

http://cdi.org/program/document.cfm?documentid=2684&programID=32&from_page=..friendlyversion/printversion.cfm

۲۲. برای مطالعه قطعنامه‌های شورای حکام درباره ایران مراجعه شود به:

<http://www.iaea.org/NewsCenter/Focus/IaeaIran/index.shtml>

۲۳. ر. ک. به:

IAEA "Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran",

Resolution, 24 September 2005, GOV/2005/77, at:

<http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2005/>

۲۴. محمودی، سعید، (۱۳۸۵)، «انرژی هسته‌ای ایران از آغاز تا امروز»، از:

<http://www.hogug.com/law/article462.html>

۲۵. همان، همچنین ر. ک. به: جلالی، پیشین.

۲۶. فلسفی، هدایت‌الله، (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: فرهنگ نشر نو، ص. ۱۵.

۲۷. محمودی، پیشین، ص. ۵.

۲۸. لاریجانی، علی، (۱۳۸۵)، «سیاست هسته‌ای، چالش‌ها و راه‌حل‌ها»، از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=cPOOO20050912430316>

۲۹. توافقنامه آژانس با ایران برای بازدید از مجتمع آب سنگین اراک در جولای ۲۰۰۷ صورت گرفت. ر.ک به:

<http://www.iaea.org/NewsCenter/PressReleases/2007/prn200711.html>

۳۰. ر.ک. به: اساسنامه آژانس، پیشین.

۳۱. غریب‌آبادی، (۱۳۸۳)، پیشین، ص. ۴۹.

۳۲. جلالی، پیشین، ص. ۸۲-۹۰.

۳۳. ر.ک. به: اساسنامه آژانس، پیشین.

- برای اطلاع از ارتباط آژانس و شورای امنیت رجوع کنید به:

<http://daccessdds.un.org/doc/UNDoc/GEN/No6/290/88/PDF/No629088.pdf>.

۳۴. برای مطالعه توافقنامه پادمان ۱۹۷۴ بین ایران و آژانس نگاه کنید به:

<http://www.iaea.org/Publications/Documents/Infocircs/Other/infocirc214.pdf>

۳۵. ر.ک. به: متن انگلیسی قطعه‌نامه ۴ فوریه ۲۰۰۶:

<http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2006/gov2006-14.pdf>

۳۶. سادات‌میدانی، حسین، (۱۳۸۵)، «شورای امنیت و پرونده ایران: تقابل صلح بین‌الملل و حقوق

بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، ص. ۱۰.

۳۷. جمشیدی، ایرج، (۱۳۸۵)، «عدالت بین‌الملل و پرونده ایران: ویژگی‌های حقوقی گزارش شورای حکام به

شورای امنیت» از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020061002131211>

۳۸. برای آشنایی با ابعاد حقوقی «اصل تناسب جرم و مجازات» ر.ک. به:

Dignan, J., (2005), "Retributive Justice", from <http://en.wikipedia.org/wiki/Retributive-Justice>.

http://en.wikipedia.org/wiki/Proportionality_%28law%29

۳۹. برای آشنایی با ابعاد حقوقی «اصل برائت» ر.ک. به:

http://en.wikipedia.org/wiki/Presumption_of_innocence

۴۰. مولایی، یوسف، (۱۳۸۱)، حق توسعه و جهانشمولی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (شماره ۵۶)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص. ۴۹-۸۳.

۴۱. مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران: انتشارات همراه، ص. ۳۵۹.

۴۲. ر.ک. به: اساسنامه آژانس: <http://www.iaea.org/About/statute-text.html>

۴۳. برای آشنایی با ابعاد حقوقی «اصل حسن‌نیت» ر.ک. به: <http://www.answers.com/topic/good-faith>

۴۴. موسی‌زاده، رضا، (۱۳۷۷)، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: انتشارات دادگستر، ص. ۷۷.

۴۵. موسی‌زاده، رضا، (۱۳۸۰)، بایسته‌های حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات دادگستر، صص. ۱۸۱-۱۹۰.

۴۶. گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۴)، پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها، جلد ۲، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر، ص. ۱۱۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی